



همبستگی هفتگی

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۱۳۲

۲۶ دسامبر ۲۰۰۳
۵ دی ۱۳۸۲

HAMBASTEGI
WEEKLY PAPER OF IFIR

www.hambastegi.org

پیام همدردی فدراسیون به بازماندگان زلزله بم

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سر دبیر: کیوان جاوید

تلفن: + 44 79 5667 5218

ایمیل: k.javid@ukonline.co.uk



به یاری زلزله زدگان بشتابیم!

صدای انترناسیونال
را هر شب ساعت ۹ به وقت تهران
روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰
کیلو هرتز گوش کنید!

نامه حقوق بشر ترکیه در دفاع از دو پناهجوی زن بازداشتی

صفحه ۳

بامداد روز جمعه پنجم دی ماه زلزله هزاران نفر از مردم شهرستان بم در استان کرمان را در خواب غافلگیر کرد. شدت زلزله به حدی بود که بیش از ۹۰ درصد شهرستان بم را با خاک یکسان کرده است. تلفات این زلزله دهشتناک تا این لحظه بیست هزار نفر اعلام شده است. بر اساس برآوردهای کارشناسان در صورت رعایت کردن شهرسازی تعداد تلفات این فاجعه طبیعی به کمتر از هزار نفر می رسیده اما زلزله ای با قدرت بیشتر در کالیفرنیا فقط سه کشته برجای گذاشت.

زلزله یک فاجعه طبیعی است. اما برخورد رژیم جانیان اسلامی به این امر و کوتاهی و کم کاری و عدم واکنش سریع برای رسیدگی به امر مدادا، اسکان، و انتقال مجروحین به بیمارستانها باعث شده که مرگ جان هزاران نفر را تهدید نماید و به این دلیل ابعاد عظیم این تراژدی ابدا طبیعی نیست. در این شکی نیست که مسئول این وضعیت نابسامان امدادسانی جمهوری اسلامی می باشند. اینها با این دیر جنبیدن و عدم

صفحه ۲

مرگ دهها پناهجوی دیگر در دریای مرمره

صفحه ۲

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

گریسمس در پستوی کلیسا "مینیم"

مبارزه پناهجویان ادامه دارد

صفحه ۴

مهرنوش موسوی



حمایت گسترده مردم بلژیک از پناهجویان

نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی

در حاشیه تصویب قطعنامه "نقض حقوق بشر" توسط رژیم جمهوری اسلامی

نسرین رمضانعلی

روز دوشنبه ۲۲ دسامبر برابر با اول دی ماه ۱۳۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه پیشنهادی کمیسیون سوم این سازمان را در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران تصویب کرد. این قطعنامه با ۶۸ رای موافق، ۵۴ رای مخالف و ۵۱ رای ممتنع به تصویب این مجمع رسیده است.

صفحه ۳



با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی، تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می‌جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن‌ترین و انسانی‌ترین دست آورده‌های بشری، دفاع بی‌قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انساندوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم و نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی، بدون در نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می‌کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود.

بقول او: "همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است".

مرگ دهها پناهجوی دیگر ...

مسئول این جنایت دولتهای ترکیه و یونان می‌باشند

اواسط ماه دسامبر سال جاری کشتی حامل دهها پناهجوی ایرانی، افغانی، عراقی، اردنی و تونس بعد از مدتها انتظار برای خارج شدن از ترکیه و تقاضای پناهندگی در کشور ثالث، از شهر بندری مرمره ترکیه عازم یونان می‌شوند. به دلیل مستهلک بودن کشتی حامل پناهجویان از بدو حرکت از مرمره مسئولین کشتی طی تماسی با نیروی دریایی یونان خبر از وضعیت بد کشتی و احتمال غرق شدنش می‌دهند. مقامات ساحلی یونان بدون توجه به این اعلام خطر، کشتی حامل پناهجویان را مجبور می‌کنند که به طرف ترکیه برگردد. در نتیجه این اقدام ضد انسانی نیروهای ساحلی یونان و تعقیب نیروهای دریایی ترکیه کشتی حامل پناهجویان در سواحل یونان غرق شده و همه سرنشینان آن به جز یک پناهجوی ایرانی جان باختند. پناهجوی ایرانی جان بدر برده از این فاجعه، تعداد پناهجویان غرق شده در آب‌های ساحلی یونان را ۷۰ نفر اعلام کرده است. از طرف دیگر هفته گذشته پلیس ساحلی یونان اعلام کرده است که اخیرا چند جسد در سواحل این کشور بدست آمده است که گمان می‌رود متعلق به کشتی غرق شده حامل این پناهجویان باشد.

در این میان دولتهای یونان و ترکیه بیشرمانه برای سرپوش گذاشتن روی اقدام ضد انسانی خود مبنی بر عدم کمک رسانی به کشتی حامل پناهجویان و در نتیجه مرگ این انسانها اعلام کرده‌اند که مسئولین این کشتی که بنابر ادعای اینان هفت نفر بوده و همگی از "قاچاقچیان انسان" می‌باشند، را در دادگاه محاکمه خواهند کرد. این تصمیم دولتهای ترکیه همزمان بوده با اظهارات یکی از مقامات گمرک دریایی ترکیه که اعلام کرده است مسئولین گمرک در ازاء دریافت رشوه و همکاری با قاچاقچیان و با موافقت آنها این کشتی مستهلک را که خودشان می‌دانستند فرسوده است در اختیار پناهجویان گذاشته عملا در مرگ این انسانها شریک می‌باشند. در اثر فشارهای جهانی و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی دولت‌های ترکیه و یونان مجبور شده‌اند برای حفظ ظاهر هم که شده عاملین این جنایت را به دادگاه برده و محاکمه نمایند. از آنجایی که پای این دولتها هر دو به عنوان متهم و دست داشتن در مرگ دهها پناهجو در میان می‌باشد، سعی شده و می‌شود که هر چه زودتر سر و ته قضیه را سر هم آورده تا بیش از این رسوای خاص و عام نشوند. ما ضمن ابراز همدردی با بازماندگان این فاجعه تاکید می‌کنیم این سیاستهای ضد انسانی دولتهای ترکیه و یونان است که منجر به مرگ دهها انسان

پیام همدردی فدراسیون ...

رسیدگی جدی به امر زلزله زدگان باعث بالا رفتن آمار تلفات می‌شوند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم کشتاری است که بی‌شرمانه آن را "بلای طبیعی" توجیه می‌کند. بازماندگان و مجروحین این فاجعه را می‌شود و باید نجات داد.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فاجعه زلزله و کشته شدن هزاران نفر از مردم شهرستان بم را به خانواده‌ها و بازماندگانشان تسلیت گفته و عمیق‌ترین و انسانی‌ترین حس همدردی‌اش را با مردم بم اعلام می‌نماید و در عین حال از مردم ایران می‌خواهد امر کمک رسانی و رسیدگی به وضعیت اسکان آوارگان و مجروحین را در دست گرفته و با تشکیل جمع‌ها، کمیته‌ها و گروههای امدادرسانی بدون دخالت جانپان اسلامی به یاری مصیبت دیدگان بشتابند. سازماندهی کمکهای جهانی و دخالت مردم در این امر می‌تواند آمار تلفات و قربانیان این فاجعه عظیم را کاهش بدهد. مردم نباید به بهانه جویی‌ها و کم‌کاری‌های رژیم اسلامی رضایت بدهند و خودشان باید مستقیا وارد میدان بشوند. نهادها و دول کمک کننده باید دقیقا آمار کمک‌های خود را به رسانه اعلام کنند و رژیم اسلامی در این زمینه باید به مردم حساب پس بدهد. نباید اجازه داد همچون همیشه کمک‌های بین المللی و داخلی به کیسه گشاد مزدوران اسلامی سرازیر گردد.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۶ دی ماه ۱۳۸۳ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۳

شده است و اگر کسی قرار است محاکمه بشود، مسئولین و مقامات دو دولت می‌باشند که با سیاستهای ضد انسانی شان این انسانها را به کام مرگ سپرده‌اند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۶ دی ماه ۱۳۸۳ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۳

* کمک مالی شما به ما امکان می‌دهد تا بتوانیم با دست بازتری در مقابل دول غربی که در تلاش نابودی قطعی حق پناهندگی‌اند، قوی‌تر و بین‌المللی‌تر مبارزیمان را سازماندهی کنیم.

* کمک مالی شما به ما امکان می‌دهد تا بتوانیم از پناهجویان ایرانی در کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان و آذربایجان با قدرت بیشتر دفاع کنیم

به فدراسیون کمک مالی کنید!

جهت تماس با تشکیلاتهای

هم مرز با ایران، لطفا با

نسرین رمضانعلی تماس بگیرید.

شماره تلفن تماس:

+۹۱۷۲ ۵۲۵۰ ۹۴۶

شماره حساب فدراسیون

سراسری در انگلیس

IFIR

Lloyds Bank

شماره حساب:

0057223

کد بانکی:

30 99 86

شماره حساب فدراسیون در آلمان

Hambastegi

7852643

شماره حساب

Bankleitzalt

8915073

Bank Stadt Sparkasse Koeln
Germany

نقض حقوق بشر ...

تصویب این قطعنامه، هر چند با اکثریت ضعیف، یک بار دیگر اعتراضی به این قضیه است که نقض حقوق بشر کماکان در دستور رژیم اسلامی قرار داشته و علیرغم درخواستهای مکرر مراجع و مراکز مدافع حقوق بشر از رژیم اسلامی برای "بهبود حقوق بشر"، دستگیری ها، زندان، اعدام، سرکوب آزادی های سیاسی ادامه دارد. اما قطعنامه چه می گوید؟

"قطعنامه تصویب شده ایران را به شکنجه و آزار شهروندان، محدودیت آزادی بیان، تبعیض بر علیه زنان متهم می کند و بازداشت های طولانی و بدون مجوز فعالان سیاسی، روزنامه نگاران و دانشجویان و همچنین اجرای مجازات های مغایر با موازین حقوق بشر مثل قطع دست و پا، شلاق زدن و اعدام در ملا عام را مورد انتقاد قرار می دهد." قطعنامه همچنین از رژیم جمهوری اسلامی می خواهد که که موافقت نامه های جهانی منبب بر رعایت "حقوق شهروندان" را رعایت نماید.

در واکنش به این قطعنامه سازمان ملل، وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی این امر را دخالت در "امور داخلی ایران" توصیف کرده است که انگیزه سیاسی دولت کانادا در پافشاری اش بر محکومیت ایران را به نمایش می گذارد. در واکنشی دیگر قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی دولت کانادا را به خاطر تنظیم پیش نویس این قطعنامه به "تژادپرستی" و "واپسگرایی" متهم کرده است.

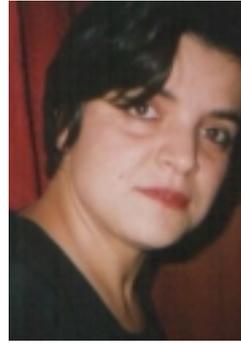
تصویب قطعنامه "نقض حقوق بشر" توسط جمهوری اسلامی در حالی صورت می گیرد که طی ماههای اخیر دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی و هواداران و متحدینش در اتحادیه

اروپا و کشورهای عربی تلاش های وسیعی را برای از دستور خارج کردن نقض حقوق بشر از دستور مجمع عمومی سازمان ملل آغاز کرده بودند. تلاش هایی که در سایه سیاست های مداخلات جویانه اتحادیه اروپا با رژیم اسلامی سیاست "مهار و کنترل" اسلام سیاسی و رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک سیاست رسمیت یافته در دستور روز گذاشته است.

شرکای جمهوری اسلامی و خیل هواداران تئوری ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" تصویب قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را بی شرمانه توجیه کرده و با وقاحت حرف از "یک طرف بودن ارزیابی های مجمع عمومی سازمان ملل، و عدم توجه به حقوق بشر اسلامی" را طرح کرده اند. تلاش های دولت کانادا برای در دستور گذاشتن موضوع نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی در دستور نشست مجمع و اعلام نظرات موافق و مخالف حول و حوش این قطعنامه بیانگر برخورد چند گانه و اکثریت شکننده ای است که نهایت زور و تلاشش را برای تصویب این قطعنامه بسیج کرده بود، می باشد.

حقوق بشر غربی و لاس زندهای این جماعت با رژیم جمهوری اسلامی به خصوص بعد از اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی، غرب و به خصوص اتحادیه اروپا را به گفته مقامات دولت آلمان مبنی بر اینکه "این ارزیابی ها یک طرفه بوده، اهداف سیاسی مشخصی را دنبال می کند، کمکی به امر زندگی مسالمت آمیز مذاهب و ... نکرده و بخش "غیر انتخابی" حکومت جمهوری اسلامی را تقویت کرده و برایش مشروعیت ایجاد می کند، می باشد. سیاستی که عملا و علنا از بربریت اسلامی دفاع کرده، و نقض حقوق بشر را "امر داخلی" جمهوری اسلامی دانسته و در صدد می باشد

برای اسلام سیاسی آبرو و وجهه سیاسی دست و پا میکند. این یک سیاست ارتجاعی است. سرنوشت این قطعنامه هم نظیر دهها قطعنامه محکومیت دیگر می باشد که در نهایت روی کاغذ خواهد ماند. حقوق



بشر چه با قطعنامه و چه بی قطعنامه های محکومیت رژیم اسلامی بیش از دو دهه است که توسط رژیم جمهوری روزانه نقض می شود. هنوز اعدام در ملا عام ادامه دارد، شکنجه و اذیت و آزار زندانیان سیاسی، سنگسار و قطع دست و پا ادامه دارد. سرنوشت این قطعنامه هم همان خواهد شد.

این مردم می دانند که جمهوری اسلامی بدون زندان، بدون اعدام، بدون سنگسار و مجموعه قوانین ضد انسانی اش معنایی نداشته و ندارد. در این میان تصویب چنین قطعنامه هایی بیش از آنکه نقض مستمر و هر روزه حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را مد نظر داشته باشد، بیشتر تبدیل به اهرم فشار به بخشی از حکومت و تلاش برای متقاعد کردن بخش دیگر به رعایت چهارچوب های پذیرفته شده در دنیای سیاست بورژوازی بوده و خواهان رعایت این بازی ها و تن دادن به قواعد بازی می باشد. تنها راه پایان دادن به اعدام، سنگسار، شکنجه به زیر کشیدن حکومت اسلامی می باشد. مردم ایران برای به گورسپردن هیولای اسلامی به میدان آمده اند.

نامه حمایتی حقوق بشر ترکیه در دفاع از دو پناهجوی زن بازداشتی



نازیلا و پروانه در تظاهرات

مخالفین رژیم ایران هستند و طبق قوانین بین المللی دیپورت آنها به ایران که آنها را در معرض خطر جدی قرار می دهد، ممنوع می باشد. نتیجه درخواست پناهندگی این دو هنوز در سازمان ملل به نتیجه نرسیده است. به همین دلیل و به خاطر عدم جواب آنها از سوی سازمان ملل به دلیل تعطیلی این سازمان مناسبت سال نو و تا فعالیت مجدد سازمان ملل در خواست می کنیم که این دو خانم را آزاد کنید و به شهر اسکی شهیر نفرستید. دفتر حقوق بشر ترکیه از هر نیرو و امکان برای باز شدن راههای این دو نفر تلاش می کند و تقاضامندیم که شما هم در این مورد حساسیت به خرج دهید.

با تقدیم احترامات

رئیس دفتر حقوق بشر حسنی اوندل
برای اطلاع کپی این نامه به دفتر مرکزی حقوق بشر ترکیه و دفتر سازمان ملل آنکارا ارسال شده است.

از: سازمان حقوق بشر
به: وزارت کشور ترکیه مدیریت مرکزی آنکارا شعبه خارجی
تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳
موضوع: حق مصونیت دو پناهجوی ایرانی

دست اندرکاران محترم
با توجه به درخواستی که به دفتر حقوق بشر آنکارا رسیده خانمها نازیلا محمد حسنی زمانی و فریده اسدی که بعنوان پناهجو به کشور ما آمده اند که از ۲۳ سپتامبر تاکنون در دستگیری و بازداشت شما هستند. با توجه به اطلاعاتی که خانم نازیلا محمد حسنی زمانی به دفتر ما داده است، نمی خواهد به اسکی شهیر برود به خاطر اختلافات خانوادگی با شوهر سابقش که در اسکی شهیر زندگی می کند. صلاح نمی دانیم که او را به جایی که شوهرش هست نفرستید.

نازیلا محمد حسنی زمانی و فریده اسدی از

همبستگی هفتگی

را

نگین و بخش کنید

کریسمس در پستوی کلیسای "مینیم"

مبارزه پناهجویان در بروکسل ادامه دارد

مهرنوش موسوی

در مسیر راه به سمت بروکسل در دل تپه های سفید، روستاهایی که پشت بامهایشان از برف پوشیده شده بود را میدیدیم. از دور خانه هایی که معلوم بود ساکنینش در فکر برگزاری کریسمس در فردای آن روز بودند، آرام خوابیده بودند. درختهای کاجی که تالگو نورهای زرد و قرمز و سبزشان از پنجره ها معلوم بود. لابد هدایا را زیر درختها جا داده بودند. عکسهای بابا نوتل و نورهای رنگارنگ پشت در و پنجره، زمستان طولانی و بدون نور اینجا را شاید قابل تحملتر میکرد.

در یک تماس تلفنی، رضا به مینا اطلاع داده بود که در این هوای سرد، پناهندگان متحصن بروکسل در مقابل ساختمان کمیساریای پناهندگان، تظاهراتی برپا و پناهندگان با مقامات آنجا مذاکره خواهند کرد. به این فکر میکردیم که صدها نفر انسان در چنین روزی به خیابان آمده و ماههاست که فقط برای حق زندگیشان با چنگ و دندان مبارزه میکنند. چند هفته قبل، پلیس با حمله به متحصنین و با گاز اشک آور آنها را از محل تحصن قبلیشان، یعنی دانشگاه بروکسل بیرون کرده و اکنون اجباراً برای ادامه مبارزه و تحصن خود به کلیسای مینیم پناهنده شده اند. تصویری غم انگیز بود. به این فکر میکردیم که در یک فاصله زمانی کوتاهی که در گرماگرم مبارزه در اسلو و برگزاری کنگره بودیم، فرصت کمی برای همراهی و تلاش ما برای پناهجویان بروکسل مانده بود.

پستی و بلندیهای یک اعتراض وسیع توده ای جمعیت ایستاده بود و با دیدن ما جمعی به طرف ما آمده و خوشحال شدند. حسین و کیوان اصرار کردند که ما با شبکه تلویزیونی بلژیک مصاحبه کنیم. به سرعت به ۳ زبان صحبت میشد. آلمانی، فرانسوی، انگلیسی. در حین صحبت بودیم که تظاهرات به راه افتاد. سر و صورتمان خیس شده بود.

بلندگو را به دست مینا و من هم دادند. مینا شعار میداد مرگ بر جمهوری اسلامی! در طی یک سخنرانی کوتاه گفت که بیش از ۴ ماه است صدها انسان در یک موقعیت بسیار اسفناک دست به اعتراض و مبارزه میزنند و دولت راست و ضد بشر بلژیک اینگونه رفتار میکند. معلوم بود که ته وجودش را در این ادعاینامه بیرون میریزد. نفسش را تازه میکرد که بلندگو به دست من افتاد. شعار میدادیم جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده، زنده باد آزادی، زنده باد برابری! دیپورت باید متوقف شود! نابود باد راسیسم!

پستوی کلیسای مینیم وارد کلیسا که شدیم، فضایی گرم بود. خیس شده بودیم و سرما و رطوبت ناشی از آن گلوی مرا به درد آورده و خبر از یک سرماخوردگی شدید میداد. تصویر مصلوب شدن مسیح و شمعیهای

روشن و صندلیهای مرتب کلیسا را در نظر اول میشد دید. با خودم فکر میکردم، چطور میشود مدام روی صندلی نشست. ای کاش صندلیها را برمیداشتند تا پناهجویان راحتتر بتوانند بنشینند. مردی که چهره سوخته و استخوانی داشت به طرف من آمد، گفت کجا خانم موسوی، ما ته این راهرو هستیم. فهمیدم که این جای گرم و نرم و نورانی جای تحصن نیست، فقط جای همین آقای مسیح است! به طرف راهرو رفتیم و فهمیدیم که باید کفشهایمان را درآوریم.

اتاقی کوچک، که پستوی کلیسا بود. همین از کوچکی اش و مقایسه اش با محل تحصن قبلی، معلوم بود که به دلیل ضربه پلیس، حتی امکان فضای بزرگتر هم از دست رفته است. فضایی سرد و درهم ریخته. همه پناهجویان روی زمین نشسته بودند. روی زمین عده ای نان و ماست میخوردند. بقیه با ما وارد شدند. نفس دیدن این تصویر و کودکانی که همراه ما بودند و قرار بود آنجا بمانند بسیار بسیار تأسف آور بود. نه بهتر است بگویم دردآور بود. از آن دردهایی که در مغز استخوان آدم رسوخ میکند. جمهوری اسلامی با خفقان، زن ستیزی، فقر و فلاکت و اعدامش عامل فرار آنها بود، همپالگی غریبش، دولت بلژیک عامل تداوم این وضعیت در قلب دمکراسیانشان!

نه غذای گرمی، نه حتی یک لیوان چای و یا قهوه، نه نوشیدنی، نه حرمتی، نه شادی! اینجا دیگر نه خبری از درختهای کاج و نه از هدایا بود. نه خبری از کریسمس! هر چه بود، فقر، تهیدستی، رنج، تلاش و مبارزه برای بیرون رفتن از این اوضاع بود. دختر کوچک سامان به من و مادرش یک آدامس داد. دلم نمیخواست توی صورت این دختر کوچک که بیشتر از ۴ ماه است به همراه پدر و مادرش در سالن تحصن است نگاه کنم. فقط میتوانستم بگویم تف به این دولت بلژیک و سگهایی که آنجا نشسته اند. همین هفته پیش مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی را به بروکسل آورده و فرش قرمز زیر پایشان انداخته بودند. همان روز صدها نفر از پناهجویان در مقابل ساختمان اتحادیه اروپا دست به اعتراض و مبارزه زده بودند. صدای مرگ بر جمهوری اسلامی را حتماً مقامات دولت ایران و بلژیک هر دو شنیده بودند.

پناهجویان میخواستند با ما در باره نحوه پیش بردن تحصن صحبت کنند. اولین سخنران، مهدی پسر جوانی بود که در رپرتاژ تلویزیونی با من توضیح داده بود که چگونه اطلاعاتیها به دلیل نوشتن یک مقاله در باره منصور حکمت او را دستگیر و کتک زده اند. او که خشمگین و ناراحت بود میگفت که دیگر نمیتواند تحمل کند. با لهجه اصفهانی با صدای بلند خشمش را نشان میداد. سامان و

بقیه هم صحبت کردند. از مبارزه شان و نقاط ضعف و قدرتش از توقعاتشان نسبت به حزب کمونیست کارگری و فدراسیون. انتظاراتشان را میگفتند. میگفتند بیاید تا با کمک هم این مبارزه را به پیروزی برسانیم. در باره نحوه پیشبرد این مبارزه با هم شور میکردند.

مینا و من هم در دو نوبت صحبت کردیم. حتی از اینکه نتوانسته ایم آنطور که دلمان میخواست به طور متمرکز این پروژه را دنبال کنیم. مینا منصفانه و صریح در باره ضرورت تخصیص بیشتر انرژی متمرکز ما و کمبودهای آن در دور قبل صحبت کرد. در صحبتهای خود گفتیم که علیرغم پستی و بلندیهای این حرکت، ارزیابی ما این است که تا همین جا این اعتراض یک جایگاه مهم فرا بلژیکی یافته است. شکست یا پیروزی این اعتراض بر موقعیت کل پناهجویان در اروپا تأثیر خواهد داشت. گفتیم که باید از دست زدن به اعتصاب غذا به خاطر عقب بودنش و ضربه زدن به جسم و روح متحصنین پرهیز کرد، گفتیم که انسجام و وحدت این مبارزه در گرو پیشروی سیاسی آن و حمایت و رهبری همه جانبه آن و دخالت ماست. گفتیم که این حرکت را دوباره باید روی پای خودش بلند کنیم. اقداماتی را که باید کرد برشمردیم.

در راه برگشت از نفس رودرویی با واقعیت سخت زندگی پناهجویان و کار زیاد و با نقشه ایی که باید روی به پیروزی نزدیک کردن این مبارزه میریختیم هم در فکر و هم کمی گرفته بودیم. ۴ ماه اعتراض در شرایط سخت جداً قهرمانی بود. شرایطی که به این همه انسان تحمیل شده غیر انسانی و غیر قابل باور بود. در طول راه مدام ۳ نفری بحث میکردیم که چه کارهای فوری باید بکنیم. اولین کار این بود که برگردیم و برای بچه ها هدیه کریسمس ببریم! حساب دولت بلژیک را بعداً فوراً میرسیم. حزب کمونیست کارگری نیگدازد با حق و حرمت انسان چنین کنند! مصمم شدیم که هر طور هست با وجود تعطیلات کریسمس انرژی خود را به پیشبرد این اعتراض تخصیص دهیم، این انرژی را سازمان و برای پیروزی این اعتراض مهم نقشه بریزیم. این اعتراض جز پیروزی راه دیگری نباید داشته باشد. شکست آن یعنی له شدن صدها و هزاران پناهجو! صدها و هزاران کودک! باید کاری کنیم که پیروز شویم. سفرهای بعدی هم شما را با خود همراه خواهیم کرد.

متأسفانه به دلیل کمبود جا بخشهایی از این نوشته حذف شده است.
متن کامل این نوشته در روزنه موجود است.